

<div><div><span><span> </span></span></div><span>روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران</span><div><div>● <span>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان</span></div></div></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>چاپ: مصیم</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>www.sharghdaily.ir</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>دوشنبه ۲ آبان ۱۴۰۱</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۴</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>۲۴ اکتبر ۲۰۲۲</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>سال بیستم</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>شماره ۴۴۰۲</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>۱۲ صفحه</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>اذان مغرب ۱۷:۳۷</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>اذان صبح فردا ۴:۵۵</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span>طلوع آفتاب ۶:۲۰</span></div>

**روزنامه شتر**

**قورباغه - هومن سیدی - ۱۳۹۸**

رامین (صابر ابر):

همه چیز خوب پیش میره تا وقتی همه چیز مخفیِه

همه چیز شوخیه تا وقتی درد کنشی

همه چیز دروغه تا وقتی حقیقت تاریکه!...

### زمین‌خوانی

## خاورمیانه و بحران تغییر اقلیم



مهدی زارع

در آخرین روزهای مهر ۱۴۰۱ رئیس مرکز پیش‌بینی سازمان هواشناسی گفت: «در این مدتی که از فصل پاییز گذشته باید حدود چهار میلی‌متر باران می‌بارید که فقط هشت‌دهم میلی‌متر باریده است و انتظار می‌رود این کم‌بارشی همچنان نسبت به بلندمدت ادامه داشته باشد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد بارش‌های پاییزی کمتر از نرمال خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود که آبان کم‌بارشی را هم نسبت به بلندمدت داشته باشیم».
خاورمیانه دو برابر میانگین جهانی گرم می‌شود و تا سال ۲۰۵۰ در مقایسه با ۱٫۵ درجه‌ای که دانشمندان برای نجات بشر تجویز کرده‌اند، چهار درجه سانتی‌گراد گرم‌تر خواهد شد. بانک جهانی می‌گوید که شرایط آب‌وهوایی شدید تبدیل به یک امر عادی خواهد شد و منطقه ممکن است هر سال با چهار ماه آفتاب سوزان مواجه شود. به گفته مؤسسه ماکس پلانک آلمان، بسیاری از شهرهای خاورمیانه ممکن است قبل از پایان قرن بیست‌ویکم به معنای واقعی کلمه غیرقابل سکونت شوند و منطقه، ویران‌شده از جنگ و غرق در قرقه‌گرایی، ممکن است برای رویارویی با چالش‌هایی که موجودیت جمعی آن را تهدید می‌کند، آمادگی خاصی نداشته باشد. از آنجایی که منطقه خاورمیانه هم‌زمان قلمرو فقرا و اغنیاست، همسایگان فقیر کشورهای نفت‌خیز اولین کسانی هستند که به دلیل کمبود امکانات اولیه مانند آب و برق با نابسامانی اجتماعی مواجه شده‌اند. چنین کشورهایی زیرساخت‌های انرژی فرسوده و کمبودهای ساختاری ریشه‌ای و نظام‌های ناکارآمد در بهره‌برداری از نیروی انسانی دارند که مانع از ترویج و نوآوری فناوری در انرژی‌های تجدیدپذیر می‌شود.

در سوریه تغییرات اقلیمی باعث خشک‌سالی شد که قبل از جنگ داخلی در آنجا رخ داد. آن خشک‌سالی کشاورزان روستایی را به مراکز شهری مانند دمشق و حلب سوق داد و مردم را برای ناآرامی‌های سیاسی متمرکز و در مقیاس بزرگ آماده کرد. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰، کل جمعیت شهری کشور ۵۰ درصد افزایش یافت. تغییرات اقلیمی مسلما فشار اسد را مجبور به سرکوب مردم خود نکرد، اما باعث رویارویی‌ای شد که ممکن بود رخ ندهد. ناامیدی اقتصادی ناشی از تغییرات اقلیم و در نتیجه مهاجرت، بر تقویت سایر محرک‌های مهم درگیری مؤثر بود. از جمله تلاش‌های «خصوصی‌سازی» فشار اسد و تمرکز قدرت، نابرابری را اغراق‌آمیز کرد و ارتباط او را با جوامع روستایی و اخیرا مهاجرت‌کرده قطع کرد. کمبود آب ناشی از اقلیم منبع دیگری از درگیری خواهد بود. زمانی که داعش بخش‌های وسیعی از خاک عراق و سوریه را تحت کنترل داشت، سدهایی که آب و برق میلیون‌ها نفر در امتداد رودخانه‌های دجله و فرات را تأمین می‌کردند، تحت کنترل درآورد. درگیری‌های متعاقب آن با نیروهای کرد و عراقی، شهرهای مقدس شیعیان مانند کرلا و نجف را بی‌آب کرد. بیش از ۲۳ میلیون نفر در حوضه رودخانه زندگی می‌کنند و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که ممکن است به دلیل گرم‌شدن زمین، دجله و فرات در سده بیست‌ویکم خشک شوند. علاوه‌براین، اولاً رودادهای اقلیمی مکرر، مطمئنا باعث تأخیر در تحویل منابع و ایجاد نیازهای امداد اضطراری جدید خواهد شد. درآنی تولیدکنندگان نفت منابع کمتری خواهند داشت، زیرا دریافت‌های نفتی در بحبوحه انتقال به انرژی پاک به صورت اجتناب‌ناپذیری کاهش می‌یابد. تغییر اقلیم همچنین ممکن است دولت‌های خاورمیانه را نسبت به همسایگان خود محتاط‌تر کند. کمبود منابع در داخل یک کشور می‌تواند ناآرامی‌های سراسری را برانگیزد، اما رقابت بر سر منابع فرامرزی می‌تواند حتی به سطوح جنگ‌های کمتر نیز برسد. با دانستن اینکه آب کمیاب‌تر خواهد شد، اینکه همسایگان خاورمیانه چگونه به اختلافات بر سر آب مورد نیاز برای آبیاری، شرب و تولید برقایی رسیدگی می‌کنند، مهم است.

در خاورمیانه و کشورهای جنوب صحرای آفریقا و آنهایی که در کشورهای کم‌درآمد هستند بیشترین افزایش در مواجهه‌را خواهند دید. البته چنین تخمین‌هایی فقط تغییرات در فراوانی رویداد‌های شدید را بررسی می‌کنند و معمولا نشان نمی‌دهند که چگونه آن رویدادها ممکن است شدیدتر و طولانی‌تر شوند.

نقش پُررنگ شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان ماهواره‌ای، در تشدید و تداوم ناآرامی‌های اخیر، مقامات کشور را حساس کرده است. یک مقام قضائی از امکان افزودن این شبکه‌ها

و عوامل‌شان به لیست تئوریستی سخن‌گفت و یک مقام

نظامی، عربستان سعودی را تهدید کرد که اگر تلویزیون

ایران‌اینترنشنال را کنترل نکند، دود آن به چشم خودش

خواهد رفت. باوجود همه اینها، در غیاب نقش‌آفرینی درست

رسانه ملی، این شبکه‌های خبری یکه‌تاز میدان اطلاع‌رسانی

هستند و شوربختانه چنین اقدامات غیراصولی و ایدایی، توجه

افکار عمومی را بیشتر از قبل به آنها جلب می‌کند.

از نگاه کارشناسی، آن شبکه‌های خارجی، از یک خلا بزرگ

ارتباطی میان مردم ایران و رسانه‌های داخلی بهره می‌جویند.

نیاز خبری مردم باید برآورده شود. فرض کنید من در خیابان

ازحما می‌بینم که در آن مردم حرف‌هایی می‌زنند.

سایت‌های خبری را می‌گردم، ببینم چه خبر است؛ چیزی پیدا

نمی‌کنم. روزنامه‌ها را مرور می‌کنم؛ می‌بینم جستجوگریخته

و مهم و کوتاه نوشته‌اند ولی نیاز خبری‌ام را ارضا نمی‌کنند.

بخش‌های خبری رسانه ملی را می‌بینم؛ انگار که هیچ اتفاقی

نیفتاده است. شبکه خبری فارسی‌زبان ماهواره را باز می‌کنم و

آنچه را نیاز دارم، در آن می‌یابم.

مسئله این است که چرا رسانه‌های خودمان اجازه

نمی‌یابند، پوشش حرفه‌ای و در چارچوب مقررات داخلی

از رویدادا داشته باشند؟ چرا نهادهایی برای پوشش خبری

و فعالیت حرفه‌ای خبرنگاران، محدودیت‌های مختلف

وضع می‌کنند و بعد شاکمی می‌شوند که چرا بی‌بی‌سی و

ایران‌اینترنشنال، مردم را به اغتشاش تحریک می‌کنند، رسانه

با مخاطب تعریف می‌شود. لابد فکر می‌کنند مثل قدیم

مردم باید فقط از رسانه داخلی استفاده کنند. مگر کسی

توان مقابله با امواج آزاد رسانه‌ها را دارد؟ نیاز خبری مردم

باید پاسخ داده شود؛ اگر رسانه‌های داخلی این نیاز را پاسخ دهند، مطمئن باشید که بازار رسانه‌های خارجی کساد خواهد شد. ما سال‌هاست هزینه هفتگی برای تولید و پخش برنامه رادیویی و تلویزیونی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی و نظایر آن خرج می‌کنیم. شبکه‌های العالم، ال‌کوثر، سحر، الوقت و المنار، سال‌هاست برای مردم خاورمیانه برنامه پخش می‌کنند. آنها چندان اثرگذار نیستند؛ چراکه فعالیت حرفه‌ای منطبق با نیاز خبری مخاطب ندارند. شبکه الجزیره توسط قطر راه‌اندازی شد و توانست سهم مهم مخاطبان عرب‌زبان در دنیا را به خود جلب کند.

دلیل موفقیت شبکه‌های خبری فارسی‌زبان خارجی، به‌جز ناکارآمدی شبکه‌های داخلی، استفاده از روزنامه‌نگاران

و تجربه و حرفه‌ای است. اواخر دهه ۷۰ روزنامه‌های بسیاری

در کشور منتشر می‌شدند و فضای شادابی در افکار عمومی

ایجاد کرده بودند. بعد از تعطیلی مطبوعات، فکری برای

خیل روزنامه‌نگاران بی‌کارشده آن روزنامه‌ها نشد. بخشی

خانه‌نشین و منزوی و بخش دیگری مجبور به مهاجرت

شدند. تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران استخدام‌شده در رادیو

فردا، بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، من‌وتو، دویچه‌وله،

ایندیندنت فارسی، یورنیوز فارسی و همین شبکه

ایران‌اینترنشنال، از همین نیروها بودند. آنها در طول این دو

دهه، توانستند بدون اینکه حتی یک خبرنگار در ایران داشته

باشند، با استفاده از شهروندخبرنگاران و نیز بازتنظیم اخبار

رسانه‌های داخلی، مخاطبان بسیاری جذب کنند و اثرگذار

باشند. اگر آن روزنامه‌ها تعطیل نمی‌شدند و امکان فعالیت

حرفه‌ای در داخل کشور و در چارچوب قوانین و مقررات

داخلی را می‌یافتند، شاید چنین سلطه خبری ناکزبری

را شاهد نبودیم، ضمن اینکه فعالیت مطبوعات، امکان

شکل‌گیری فسادهای بزرگ را به جهت دیده‌بانی رسانه‌ای

بسیار کاهش می‌داد؛ اما شوخیخانه در غیاب رسانه‌های آزاد

بزرگ را به اهل آن بسپرد و از نقادی آنها عصبانی نشویند،

تا مخاطب امیده را بازگردانید. زمان برای تغییر تنگ است؛

اصلاح کنید، قیل از آنکه دیگر کار از کار بگذرد.

بیرونی را کاملا بی‌نتیجه و منفعلانه ارزیابی می‌کنم. چنین

همسایه‌ها

## علم‌خوانی

## آخرین خورشیدگرفتگی سال را از دست ندهید

**امیرعباس شهدادی، فعال و پژوهشگر حوزه نجوم؛ روز سه‌شنبه سوم آبان ۱۴۰۱ آسمان سراسر ایران میزان پدیده جذاب خورشیدگرفتگی جزئی است.**
خورشیدگرفتگی هنگامی رخ می‌دهد که سایه ماه بر بخشی از زمین بیفتد و در نتیجه در قسمت‌هایی از کره زمین، قسمتی از قرص خورشید با همه آن از دید ناظر زمینی پوشانده شود. در تهران این خورشیدگرفتگی از حوالی ساعت ۱۳:۴۱ به وقت ایران شروع شده، ساعت ۱۴:۵۸ با ۵۵/۳ درصد گرفت به اوج خود می‌رسد و تا حدود ساعت ۱۶:۰۹ ادامه دارد. شایان ذکر است زمان شروع گرفت، اوج، زمان پایان و همچنین میزان گرفت در اقصانقاط ایران متفاوت است، علاقه‌مندان به رصد کسوف برای اطلاع از این اطلاعات می‌توانند به وب‌سایت **timeanddate.com** مراجعه‌کنند. همچنین اگر مجالی پیدا نمی‌کنید که برای تماشااش این پدیده به زیر آسمان بروید، این وب‌سایت پخش زنده این رویداد را برنام‌ریزی کرده است. هرساله بین دو تا پنج خورشیدگرفتگی می‌تواند رخ دهد و خورشیدگرفتگی بعدی که از ایران قابل رصد است، ۳۱ فروردین ۱۴۰۲ خواهد بود. رصد کسوف قبیل‌ش رو با چشم غیرمسلح و با رعایت یک‌سری نکات ایمنی امکان‌پذیر است. بهترین نحوه رصد این پدیده استفاده از عینک‌های مخصوص و استاندارد رصد خورشید است. درصورتی‌که این عینک‌ها در دسترس نبوند، می‌توان از فیلترهای جوشکاری نمره ۱۴ (دو لایه فیلتر نمره ۷) که از ابزارفروشی‌ها قابل تهیه هستند، استفاده کنید. از دیگر روش‌های رصد این خورشیدگرفتگی جزئی می‌توان به استفاده از یک آینه کرد برای انداختن تصویر خورشید روی دیوار اشاره کرد یا نگاه‌کردن به سایه زیر درختان و دیدن صدها خورشید خورده شده. شایان ذکر است که استفاده از عینک‌های آفتابی، عکس رادیولوژی و سایر اقدام اصلا گزینه مناسبی برای رصد این پدیده نیستند و در صورت استفاده آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری در بلندمدت به چشم و قوه بینایی استفاده‌کنندگان خواهند زد.



● **سد معبر و تردد موتورسواران باعث مشکلات زیادی برای عابران پیاده شده است.** طبق ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات پارک و توقف موتورسیکلت در پیاده‌راه‌ها منجر به توقیف یک‌هفته‌ای و در صورت تکرار به مدت یک ماه خواهد شد. عکس: زینب حمزه‌لویی، فارس

### گزارش خوانی

## ناامیدی تبدیل به فحش می‌شود

یکی از مسائلی که این روزها همگان را در یک موقعیت متفاوت نسبت به اعتراضات خیابانی مهرماه قرار داده، شعارهای غیرمتعارفی است که در خیابان‌ها سر داده می‌شود. نند آل طیب در خبرگزاری ایسنا سراغ مصطفی مهرآیین و صادق زیباکلام رفته است و این سؤال را از آنان پرسیده و سعی کرده جوابی برای این حجم از نفرت و خشم پیدا کند. این متخصصان و استادان دانشگاه هرکدام از منظری به این قضیه پرداخته‌اند و سعی داشته‌اند جوابی براساس دانسته‌های خود برای این رفتار پیدا کنند؛ اما در همین جواب‌ها هم می‌توان میزان شگفتی و جاخوردگی آنان را نسبت به این رویکرد دریافت. این استادان غیر از دوران دوساله کرونا در دانشگاه یا کلاس درس با متولدان دهه ۸۰ برخورد داشته‌اند.

### فضای تک‌صدایی

دکتر مصطفی مهرآیین معتقد است: «وقتی فضای حاکم تک‌صدای می‌شود، به‌ویژه بعد از دوره احمدی‌نژاد و پس از اتفاقات سال ۸۸ که به سمت بستن فضای سیاسی و تک‌صدایی و تک‌گروهی‌گردن رفتند و این وضعیت بعدها در برخی انتخابات‌ها هم خیلی بروز یافت و اوج گرفت، در چنین وضعیتی، طرف مقابل هم تک‌صدا خواهد شد. این‌جاست که ادبیات طرف اول، تعیین‌کننده ادبیات و گفتار طرف دوم است. وقتی شما طرف مقابل خود را خس‌وخالش‌ک، حشره، هرزه، لجن، بی‌ارزش و از این دست خواندی، او هم فحاشی می‌کند و دیگر عجیب نیست که حتی دانشجو هم نامزای می‌گوید. وقتی معترضان را سلاکت کنیم و اغتشاشگر بنامیم، دیگر نباید توقع ادبیات فرهیخته‌ای از آن‌سو داشته باشیم». او در پاسخ به این پرسش که ادبیات شعارهای این دوره در قیاس با دوره‌های گذشته غیرمنتظره می‌نمود، می‌گوید: «اتفاق غیرمنتظره نیست، یادمان باشد در جنبش دانشجویی سال ۷۸ جامعه هنوز متکثر است و عمده کاری که در مقابل می‌شود، بستن فضای مطبوعات، محدودکردن فضای سیاسی و از کار انداختن احزاب است. بنابراین آن زمان خواست جنبش دانشجویی، آزادی مطبوعات و تأکید بیشتر بر واژه آزادی است. در اتفاقات سال ۸۸ هم هنوز کشور متکثر است و اجازه دادند جریان تقابلی بین جریان اصولگرایی افراطی و جبهه پایداری از یک طرف و از طرف دیگر جبهه اصلاح‌طلب شکل بگیرد. به همین دلیل وقتی بحث تخرلف در انتخابات پیش آمد، شعارها به این سمت رفت که «رای می‌کوه؟» یا «رای مرا پس بده». البته آن موقع هم بعد از درگیری، شعارها رادیکال‌تر شد. جنبش‌های سال‌های ۹۶ و ۹۸ بیشتر در پی گرانی و بزیمن و برآمده از بی‌اعتنایی به وضعیت اقتصادی و رفاهی و فقر مردم بود؛ به همین دلیل شعارهایی هم نسبت به این وضعیت سر داده شد. آن زمان نیز بی‌اعتنایی‌هایی صورت گرفت و فضا به سمت رادیکال‌شدن رفت. با این توصیف‌ها، تئوری گفتمان هم‌زمان به این شکل رفت که «رای می‌کنند، گفته‌ها را رقص‌شان نکرده، خنده‌های نیامده، برای کودک افغانستانی، پدر زیر فشار اقتصادی خم‌شده و… می‌گوید، عملا بیایه است. تنها کاری که بیایه سیاسی می‌کند این است که اینها را در قالب ادبیات سیاسی می‌برد».

### احساس سرخوردگی اجتماعی

صادق زیباکلام، استاد دانشگاه در حوزه علوم سیاسی و تاریخ، معتقد است: «اگر اعتراض‌ها و شعارها را در ۱۳ سال اخیر رصد کنیم، می‌توان گفت به اعتراض‌ها و هم شعارها از سال ۸۸ تا دی ۹۶ و بعد از آن سال ۹۸ و حالا در مهر سال ۱۴۰۱ رادیکال‌تر و تندتر شده است. سال ۸۸ شعار اصلی این بود که «رای من کوه؟». این شعار یعنی عده‌ای در انتخاباتی شرکت کرده‌اند و نتیجه آن را قبول ندارند یا معتقدند تقلب شده و به دنبال رای خویش هستند. این به معنای آن است که این افراد کلیت و تمامیت نظام را قبول دارند، ولی باور دارند تخلفی درون آن صورت گرفته است. بنابراین شعارها به‌هیچ‌وجه نه براندازانه است و نه ساختارشکنانه و این‌چنین است که سال ۸۸ هیچ‌یک از شعارهای امروز مطرح نبود. از دی ۹۶، شعارهایی برای اولین بار سر داده شد. این یعنی برخلاف سال ۸۸ که امید به اصلاحات و تغییر از درون می‌رفت، در سال ۹۶ اولین آثار ناشی از نومیدی نسبت به اصلاحات دیده و اولین شعارها در این زمینه سر داده شد. سال ۹۸ بیشتر قهر و اعتراض اقتصادی بود؛ به همین دلیل این اعتراضات بیشتر در نواحی محروم‌تر صورت گرفت؛ درحالی‌که اعتراضات ۸۸ بیشتر اعتراضات تحصیل‌کردگان و طبقه متوسط بود. اما در اعتراضات مهر ۱۴۰۱ به نظر می‌رسد اصلا همه چیز عوض شده است. اولاً دو موتورسوار اعتراضات، زنان و دهه‌هشتادی‌ها هستند. از سوی دیگر، شعارها اصلا شعار اقتصادی نیست و به تعبیری، شعارهای ساختارشکنانه‌ای است که می‌گوید هیچ امیدی نمی‌بینیم». او به این پرسش‌ک که این همه نفرت، بغض و کینه از کجا می‌آید؟ چنین جوابی می‌دهد: «دهه‌هشتادی‌ها لابد پیش خودشان می‌گویند گیرم که دیلم و لیسانس مان را گرفتیم، چه آینده‌ای، کدام زندگی در انتظار ما است؟ شخصاً معتقدم این ناامیدی نسبت به آینده که به هر حال در ذهن‌شان شکل گرفته، دلیل اصلی طغیان و ناراضیاتی این نسل است». او نظر او این ادبیات را رایج در شعارها برگرفته از «احساس سرخوردگی اجتماعی» است و این‌چنین قضیه را تشریح کرد: «بازه به‌بهدی واقع‌بین باشیم، چه آینده‌ای برای یک دانشجو تصویر شده است؟ انگار تنها چراغ روشنی که برایش وجود دارد، این است که مهاجرت کند «به هر آن کجا که باشد به‌جز این سرا، سرایم». در نتیجه، این دانشجو شعارهایش مودبانه، فهیم با متناسب با محیط دانشگاه نیست. مانند یک فتر فرشه‌شده است که با اندک فشاری فوران می‌کند و در فوران خیلی نمی‌توان انتظار رفتار درست داشت. اینها به تصمیم‌ها و رفتارهای گذشته برمی‌گردد که بر آنان اعمال شده است.»